

## عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی

عباس کشاورز شگری

استادیار علوم سیاسی دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) keshavarz@shahed.ac.ir

سمیه احمدوند

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی انقلاب، دانشگاه شاهد

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۹/۴

### چکیده

مقاله حاضر به بررسی عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست داخلی؛ یعنی میزان موفقیت این حزب در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در عرصه سیاست خارجی و سطوح بین‌المللی و منطقه‌ای می‌پردازد. نخست، مبانی نظری اسلامگرایی و دیدگاه‌های متفکران درباره روند اسلامگرایی در ترکیه و تاریخچه احزاب اسلامگرای ترکیه بررسی شده، سپس عملکرد این حزب، در عرصه سیاست داخلی و خارجی در سومین دوره قدرت یافتن یعنی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ ارزیابی می‌شود. عملکرد مثبت این حزب در عرصه‌های مختلف، منجر به کسب آراء عمومی چه در میان مسلمانان و چه غیر مسلمانان و قدرت یافتن این حزب برای سومین بار در سال ۲۰۱۱ شد.

**واژگان کلیدی:** اسلامگرایی، ترکیه، حزب عدالت و توسعه، سیاست‌های داخلی، سیاست‌های خارجی.

#### مقدمه

ترکیه به عنوان کشوری که دارای سابقه و تمدن بسیار کهن و ریشه‌های عمیق اسلام است، در آغاز حکومت آتاتورک دوره تجدد آمرانه و جدایی دین از سیاست را تجربه کرد. با این حال جریان اسلام‌خواهی و گرایش به اسلام در این منطقه با توجه به ریشه‌های عمیق آن از ثبات زیادی برخوردار بوده است. اسلام‌گرایان با گرایش به تشکیل دولت‌هایی که از نوع دولت‌های میانه‌رو هستند درصدد برقراری ثبات و امنیت در کشور خود با توجه به راه کارهای اصیل اسلامی هستند (ولایتی، ۱۳۸۳: ۳۵۰). در ترکیه، اسلام‌گرایان با گسترش حوزه نفوذ خود در عرصه‌های عمومی و استفاده از امکانات موجود جامعه، تشکیل مؤسسات اجتماعی، نهادهای خیریه، انجمن‌های صنفی و مدنی و احزاب سیاسی، فعالیت‌های اقتصادی و عمق بخشی به نفوذ خود در بخش خصوصی، جلب اعتماد و نظر مردم از طریق شبکه‌های اجتماعی، به نمایش گذاشتن سلامت اخلاقی و پاک‌دستی خود در انجام مسئولیت‌های اجتماعی، با حضور در شوراهای شهر و اداره مطلوب شهر، در راه‌یابی به مجلس با رأی بالای مردم و در اختیار گرفتن دولت و ریاست جمهوری به تدریج راه خود را از پایین‌ترین سطوح اجتماعی تا بالاترین سطوح قدرت، با صبر و حوصله و تدبیر پیمودند (مزروعی، ۱۳۸۶).

از جمله احزاب اسلام‌گرای ترکیه که توانست در سال ۲۰۰۲ با قاطعیت آراء، پارلمان، دولت و ریاست جمهوری را در اختیار بگیرد، حزب عدالت و توسعه است. اعضای این حزب، شاخه نوگرا و دموکرات‌تر و از نظر سنی جوان‌تری بودند، که با جدا شدن از رهبری سابق حزب فضیلت و حتی پدر معنوی احزاب اسلام‌گرا (نجم‌الدین اربکان) دست به تشکیل حزب «عدالت و توسعه» زدند. تغییر محسوسی که در این انشعاب به نظر می‌رسید، این بود که برای اولین بار در تاریخ سیاسی ترکیه، حزبی اسلام‌گرا در عین حال معتقد به اصول ساختار سکولار جمهوری ترکیه متولد شد. در واقع نخبگان اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان و عبدالله گل، سکولاریسم را نه به عنوان الزام، بلکه به عنوان «باور» پذیرفته‌اند و به حرکت در چارچوب اصول سکولار باور علمی و عملی دارند. پیروزی حزب عدالت و توسعه با ریشه‌های اسلامی در انتخابات سال ۲۰۰۲، نشان از گسترش اسلام‌گرایی در این کشور داشت (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸، ۶).

سیاست دولت اردوغان پس از به قدرت رسیدن در عرصه مسائل داخلی و خارجی میانه‌روی و اعتدال بوده است. این حزب علی‌رغم مواجهه با مخالفت‌ها و چالش‌هایی از سوی احزاب رقیب،

سرانجام توانست در انتخابات سال ۲۰۰۷ نیز موفق عمل کند. پیروزی قاطع این حزب، ریشه در سیاست‌های ۵ ساله اردوغان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بین‌المللی دارد. (واعظی، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۰) اسلامگرایان ترکیه با عملکرد مناسب در حوزه‌های مختلف در سال ۲۰۰۷ نشان دادند تفکر اسلامی برای سیاست داخلی و خارجی ترکیه برنامه دارد و از سوی دیگر با قدرت‌گیر نیروهای دموکراتیک و اسلامی الگوی کمالیسم دیگر در حال تضعیف است. در واقع می‌توان گفت پیروزی مجدد این حزب در سال ۲۰۱۱ برای ترک‌ها نماد جدایی از یک نحوه زیست سیاسی، اجتماعی و فکری است و این یکی از منابع مهم اعتبار سیاسی این حزب به شمار می‌آید. روش تحقیقی این پژوهش روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد و برای رسیدن به این مقصود از منابع مکتوب و اسناد و مدارک معتبر مانند کتاب‌ها، فصلنامه‌ها و مجلات علمی داخلی و خارجی و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است. این پژوهش بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ به چه نحوی بوده است؟

#### ۱. مبانی نظری و روش

آرنولد توین بی<sup>۱</sup>، قدیمی‌ترین نظریه پرداز است که در میانه قرن بیستم به تبیین مجدد اسلام در دهه‌های آینده و حتی پیش بینی شکست پروژه‌ی دین زدایی در کشورهای نظیر ترکیه پرداخت. روش او روش «کلان‌نگری تاریخی» است. وی پس از بررسی سیر تمدنی غرب و اسلام، به وضعیت این دو پس از جنگ جهانی دوم، اشاره می‌کند که تمدن غرب از هر لحاظ برتری یافته و مسلمانان، روحیه بالای تمدن سازی و حتی «هویت تمدن» خود را از دست داده‌اند. سپس توضیح می‌دهد، هرگاه تمدنی در چنین محذوری واقع شود، یکی از دو عکس‌العمل زیر را نشان خواهد داد، اول «عکس‌العمل متعصبانه» و دوم، «عکس‌العمل سازشکارانه» است که قصد دارد سوار بر موج غربی شدن شود و با گذشته خود کاملاً قطع ارتباط کند و به شکل تمدن غالب امروزی درآید. توین بی، آنچه را که در ترکیه در زمان آتاتورک انجام گرفت «انقلاب سازشکاری» می‌نامید که رهبران سیاسی ترکیه با تمام امکانات، کلیه مظاهر غربی را تقلید می‌کردند و امیدوار بودند با این موج غربگرایی به زودی به قافله تمدن صنعتی برسند. (لاریجانی، ۱۳۷۷: ۲۲۷-۲۵۱)

1. Arnold Toynbee

خورشید احمد، متفکر معاصر پاکستانی به بررسی پدیده اسلامگرایی در چارچوب رابطه بین مسلمانان و غرب در دوران استعمار و بعد از آن می‌پردازد و معتقد است سیاست استعماری چهار اثر بر جوامع اسلامی گذاشت: ۱) غیر مذهبی کردن جوامع اسلامی، به ویژه دولت و نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن، ۲) سلطه الگوی غربی و وابسته شدن نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای اسلامی به غرب که سلطه مذکور را نهادینه کرد. ۳) قطب بندی کردن آموزش بر محورهای نهادهای آموزشی سنتی و نهادهای آموزشی نوین که به ظهور گروهی از نخبگان جدید که با مردم بومی بیگانه بودند، منجر شد. ۴) بحران رهبری که در اثر نابودی سازمان یافته رهبر سنتی جوامع اسلامی و تحمیل رهبران سیاسی از خارج که از اعتماد مردم برخوردار نبود، به وجود آمد. خورشید احمد این راهبرد را که نخبگان جوامع اسلامی به دنبال تقلید کامل از غرب بودند، «راهبرد نوگرایی» می‌نامد. (زارع خورمیزی، ۱۳۸۰: ۶۴)

فرهنگ رجایی، معتقد است هجوم مدرنیته غرب عملاً سه طرز تفکر را در جوامع اسلامی ایجاد کرد. یکی از این شعاع‌ها که از منشور جدا شد، معتقد به تقلید کامل از غرب بود (نمونه‌ی آن منورالفکرهای دوره قاجار در ایران و ترکان جوان در دوره عثمانی)، شعاع فکری دوم معتقد بود با قدرت‌گرایی و قدرتمند شدن، می‌توان مشکل را حل کرد که نمونه آن، رضاخان در ایران، آتاتورک در ترکیه و امان‌الله خان در افغانستان بودند و شعاع سوم، راهکار و شیوه بیان این دو طرز تفکر بود که در برگرفتن نکات مثبت غرب و نکات منفی آن تأکید داشت. (رجایی، ۱۳۸۱: ۲۰۹-۲۲۰) ساموئل هانتینگتون نیز علل احیای دوباره اسلام را در فرایند مدرنیسم و واکنش مسلمانان در برابر غرب جستجو می‌کند، وی با تأکید بر تغییر ناپذیری مبانی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، معتقد است تجربه ترکیه در غربی کردن جامعه موفقیت آمیز نبوده است و دگرگونی‌های اساسی که توسط دولت‌های لائیک از بالا به مردم اعمال می‌شد، موجب دوگانگی فرهنگی بین ملت ترکیه شده و نهایتاً با روی کار آمدن نخست وزیر اسلامگرا سیاست جدایی میان مذهب و حکومت نیز به شکست انجامید. (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۲۷) هر ایر دکمجیان در نظریه‌اش که به نظریه ادواری مشهور است می‌کوشد چارچوبی جامع درباره عوامل جنبش‌های اسلامی ارائه دهد. وی اسلامگرایی جدید در کشورهای اسلامی را پدیده نوینی نمی‌داند، بلکه آن را جلوه معاصر جریان تاریخی می‌داند که در دوران‌های خاصی ظهور کرده و تحول یافته است. بنا بر دیدگاه وی، در طول تاریخ جوامع مسلمان در برابر هر سقوط و انحطاط یک جنبش فکری، سیاسی رستاخیزی به وقوع پیوسته

است و این جنبش‌ها در شرایطی ظهور می‌کند که جامعه اسلامی در یک محیط بحرانی گسترده گرفتار می‌آید. (دکمیجان، ۱۳۷۷: ۵۲) همچنین نقش بی نظیر رهبران فرهمند فکری و سیاسی در شکل‌گیری و تداوم حرکت‌های اسلامی را نمی‌توان نادیده گرفت. نظریه وی ابعاد داخلی گرایش‌های اسلامی را به خوبی تبیین می‌کند و برای تبیین روند اسلامگرایی در ترکیه با توجه به ابعاد درونی نظریه آن مناسب به نظر می‌رسد ولی ابعاد بیرونی این پدیده را کمتر مورد توجه قرار می‌دهد. سید احمد موثقی نیز به جنبش احیای اسلام در قرون اخیر جریان اصلاح طلبی دینی اطلاق می‌نماید و این مسئله را در برخورد با دو مسئله محوری انحطاط داخلی و هجوم غرب می‌داند. (موثقی، ۱۳۸۶: ۱۷۶) وی درباره شکست روند غربگرایی در ترکیه که در نهایت به رشد مجدد اسلامگرایی در این کشور انجامید، بر این باور است که در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ روند غرب‌گرایی به شدت گسترش یافت و منجر به بروز بحران‌های عمده در پایان این دوره شد و دوباره مذهب به عنوان نیروی اجتماعی و سیاسی مهم بروز کرد و از آنجا که شکاف میان غنی و فقیر و مناطق شهری و روستایی عمیق شده بود، در نتیجه پس از ۱۹۵۰ میراث کمالیسم به طور فزاینده‌ای زیر سؤال رفت و بحران‌های هویت، توزیع و مشروعیت در ابعاد مختلف رخ نمود که در نهایت منجر به جنبش‌های سنت‌گرا، بنیادگرا و حتی نوگرا شد. (موثقی، ۱۳۷۴: ۱۷۸) ژیل کیپل، محقق مشهور فرانسوی از زاویه جامعه‌شناختی، به تحلیل اسلامگرایی پرداخته و معتقد است اسلامگرایی پدیده‌ای تاریخی است که در ۳۰ سال اخیر مطرح شده و توسعه یافته است. وی می‌کوشد اسلامگرایی در سال‌های اخیر را محصول بسیج همزمان گروه‌های اجتماعی مختلف معرفی کند و دانشمندان و روشنفکران مسلمان، طبقات متوسط مؤمن و جوانان فقیر شهرنشین را مثلث اجزای جنبش اسلامگرا می‌داند. (ایاد، ۱۳۷۹: ۱۶-۲۰) او در مورد اسلامگرایی ترکیه به طور سؤال برانگیزی حرفی به میان نمی‌آورد، چراکه به رغم ادعای وی در مورد خشونت اسلامگرایان، آنان در ترکیه از مسالمت‌آمیزترین راه، یعنی رأی‌های مردم به فعالیت پرداختند و در همین راه به پیروزی رسیدند.

فهمی هویدی نویسنده و پژوهشگر مصری معتقد است اصولاً تقسیم اسلام به سیاسی و غیرسیاسی مطلقاً اشتباهی است که نیروی تبلیغات توانسته است آن را وارد زبان ما کند تا جایی که به یک خطای مصطلح تبدیل شد. (هویدی، ۱۳۷۸: ۱۹) چرا که اسلام به جهت دارا بودن مجموعه‌ای از قوانین و ارزش‌های حاکم، در ابعاد مختلف برای زندگی بشر تعالیم روشنی دارد و اشتباه دیگر

این است که فعالیت سیاسی محدود به دستیابی به قدرت و تشکیل حکومت شده که نوعی شتابزدگی است و از ارزش اسلامگرایی می‌کاهد، چرا که اسلام دامنه‌ای بس وسیع‌تر دارد و این گونه برداشت‌ها، انگیزه‌های مشکوکی را در پشت ماجرا دارد، علاوه بر این که تجربه‌ها در کشورهای متعدد، مختلف و متفاوت است. وی پس از برشمردن موارد زیادی از این گونه اشتباهات و پاسخ به شبهه‌هایی که مطرح شده است، در مورد صحنه سیاسی ترکیه معتقد است هرگز نمی‌توان درگیری و اختلاف مستمر نیروهای سیاسی و در پیشاپیش آن‌ها نیروی اسلامگرا و لائیک را منحصرأ در جهت ریشه‌کن کردن اصل اسلام در ترکیه دانست، مسئله‌ای که عکس‌العمل شدید مردم و در نتیجه روی آوردن بیشتر آنان به اسلام را موجب خواهد شد (هویدی، ۱۳۷۹: ۱۲). حمید احمدی در نظریه‌ای که به شکل‌گیری جنبش‌های اسلامگرایی اشاره دارد، معتقد است نظام عقیدتی - اسلامی علت عمده شکل‌گیری این جنبش‌هاست. در ذات این نظام عقیدتی نوعی تعهدات ایدئولوژیک نهفته است که اسلامگرایان خود را به پای‌بندی به آن و تلاش در راه پیاده کردن آن موظف می‌دانند. از نظر اسلامگرایان، ضرورت وجود نظام حکومتی اسلامی و تداوم آن مهم‌ترین اصل محوری در نظام عقیدتی - اسلامی بوده است و مبنای اساسی این اصل، اعتقاد به جدایی ناپذیری دین و دولت یا دیانت و سیاست در میان مسلمانان متعهد به تحقق جامعه اسلامی است. وی یکی از علل مهم ظهور جنبش‌های سازمان یافته در قرن بیستم را انحلال نظام خلافت توسط لائیک‌های ترکیه می‌داند و معتقد است بحران خلافت بیشترین تأثیر را بر ظهور و رشد جنبش‌های اسلامی گذاشت، وی معتقد است اقدام جمعی مسالمت‌آمیز اسلامگرایان، در آینده اجازه مشارکت سیاسی به اسلامگرایان و بهبود اوضاع اقتصادی آن‌ها را فراهم خواهد کرد. (احمدی، ۱۳۷۷: ۹۴-۵۵)

به طور کلی و با توجه به دیدگاه‌های مختلف، می‌توان مؤلفه‌هایی برای جریان اسلامگرایی و اسلام‌خواهی در ترکیه در نظر گرفت. مؤلفه‌هایی چون عامل اقتصادی که پس از جریان لیبرال شدن اقتصاد این کشور در دهه ۱۹۸۰ که منجر به تقویت حرکت‌های اسلامی در این کشور شد و عامل سیاسی افزایش دموکراسی در جامعه، که با گذار ترکیه از استبداد تک حزبی به دموکراسی چند حزبی صورت گرفت و همچنین در عرصه اجتماعی که با گسترش شهرنشینی و ظهور گروه‌ها و نهادهای اسلامی انجام شد. همچنین در عرصه بین‌المللی و تأثیری که رشد حرکت‌های اسلامی

در خاورمیانه بر جریان‌های اسلامی در ترکیه داشت به چارچوب نظری کلی درمورد چگونگی روند اسلامگرایی در این کشور دست یافت.

## ۲. تاریخچه احزاب اسلامگرای ترکیه

اسلامگرایان از دهه ۱۹۷۰ به این نتیجه رسیدند که برای پیشبرد افکار و اجرای سیاست‌های مورد نظر خود در جامعه ترکیه، باید به تشکیل‌سازی مدرن و یا همان فعالیت حزبی بپردازند. از این رو اولین حزب اسلامگرا به نام حزب «نظام ملی»، در ژانویه ۱۹۷۰ توسط نجم‌الدین اربکان تأسیس گردید. اما حاکمیت لائیک دو سال بیشتر نتوانست آن را تحمل کند و در نهایت در مارس ۱۹۷۲ توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. اربکان بلافاصله پس از انحلال حزب نظام ملی، دست به تشکیل حزب دیگری به نام حزب «سلامت ملی» زد. عمر حزب سلامت ملی بیش از حزب قبلی بود و تا کودتای سال ۱۹۸۰ نظامیان که در آن بسیاری از احزاب منحل شدند دوام آورد، در واقع اولین جرقه‌های انشعاب و استحاله جریان‌های اسلامگرا در ترکیه را می‌توان از میانه‌های دهه ۱۹۷۰ مشاهده کرد. در این مقطع، دو گروه اسلامگرا وجود داشت، از طرفی گروهی با تشکیل حزب قانونی و در چارچوب نظام سیاسی لائیک ترکیه، در پی کسب قدرت سیاسی بودند و هیچ ابایی از مشارکت در دولت‌های ائتلافی به همراه احزاب لائیک نداشتند و در سوی دیگر، گروه‌های اسلامگرای تندرو با حفظ مرام خود در مخالفت با ساختار لائیک نظام ترکیه، هر نوع شرکت در نظام سیاسی و ائتلاف با احزاب لائیک را مردود می‌دانستند. در میانه این دو طیف نیز گروه‌های متصوفه و طریقت‌های مذهبی در ترکیه بودند که از دهه ۱۹۶۰ نقش و حضور پررنگی در پشت پرده سیاست داشتند. از طریقت‌های پرنفوذ در ترکیه می‌توان به طریقت‌هایی چون نقشبندیه، نوری، عجزمندیه و طریقت فتح‌الله گولن اشاره داشت که نقش و نفوذ زیادی در پشت پرده سیاست در ترکیه ایفا کرده و می‌کنند. حزب رفاه، طولانی‌ترین زمان فعالیت سیاسی را در میان احزاب اسلامگرا در ترکیه داشته است. این حزب توانست چهارده سال در فضای سیاسی ترکیه فعالیت کند و برای اولین بار در تاریخ جمهوری ترکیه تا آن زمان یعنی در سال ۱۹۹۶ نجم‌الدین اربکان به مقام نخست‌وزیری رسید. این سمت بیش از یک سال برای وی دوام نیاورد. (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۶) نظامیان در شبه کودتایی و پس از یک جنگ سخت، نجم‌الدین اربکان رئیس حزب رفاه و نخست‌وزیر را مجبور کردند که در سال ۱۹۹۷ از سمت خود کناره‌گیری کند.

(گزبلات، ۱۳۷۹: ۵۷) بعد از این حزب، حزب فضیلت روی کار آمد که این حزب نیز پس از سه سال تحمل از جانب لائیک‌ها در نهایت در سال ۲۰۰۱ با این استدلال که حزب فضیلت در واقع ادامه دهنده راه حزب رفاه بوده و تمام اعضای سابق رفاه در آن عضو هستند و اینکه این حزب با ساختار لائیک تصریح شده در قانون اساسی تضاد دارد توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. در این مقطع با توجه به سابقه انحلال تمام احزاب اسلامگرای قبلی توسط دادگاه قانون اساسی، نخبگان حزب فضیلت به دو گروه منشعب گردیدند. گروهی از نخبگان سنت‌گرا تر به رهبری رجایی کوتان به تشکیل حزب جدید دیگری به نام «حزب سعادت» مبادرت کردند، اما بخش دیگر حزب فضیلت که شاخه نوگرا و دموکرات‌تر و از نظر سنی جوان‌تر بودند، با جدا شدن از رهبری سابق حزب و حتی پدر معنوی احزاب اسلامگرا (نجم‌الدین اربکان) دست به تشکیل حزب «عدالت و توسعه» زدند (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۶). رجب طیب اردوغان، شهردار سابق شهر استانبول و شخصیت برجسته حزب رفاه، رهبری این حزب جدید را عهده‌دار شد و اردوغان بلافاصله تشکیل حزب عدالت و توسعه را با نام اختصاری «آک» اعلام کرد. گروه جدیدی که پیرامون اردوغان جمع شدند اغلب از اسلامگرایان هستند و خود را نوآور می‌دانند این گروه را خبرنگاران، هنرمندان و هم‌حزبی‌های سابق اربکان تشکیل می‌دهند و شعار این حزب نیز «صداقت و کوشش» است. (مفیدنژاد، ۱۳۸۶: ۷)

انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ در ترکیه بسیاری از محافل خبری در سراسر جهان را شگفت زده کرد، به طوری که بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران، نتیجه این انتخابات را یک شوک یا زلزله سیاسی تعبیر کردند. حزب اسلامگرای عدالت و توسعه با برخورداری از کادر رهبری اسلامی و نیز عملکردی موفق به منظور تحقق شعارها و برنامه‌ها و اهداف معتدل و میانه‌روی حزب، زمینه‌های پیروزی و موفقیت خود را در میان مردم به دست آورد و در نهایت در انتخابات سال ۲۰۰۲ با اکثریت آراء به پیروزی رسید. (زارع، ۱۳۸۳: ۲۱۹-۲۱۶) پیروزی حزب عدالت و توسعه با ریشه‌های اسلامی در انتخابات سال ۲۰۰۲ نشان از گسترش اسلامگرایی در این کشور داشت. (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۱۱) این حزب توانست با تمامی موانعی که از سوی گروه‌های مخالف وجود داشت مقابله کند. در جریان انتخابات سال ۲۰۰۷ نیز به مانند انتخابات سال ۲۰۰۲ کارشکنی‌های متعددی از سوی نیروهای دخیل در میتینگ‌های جمهوری، بیانیه ارتش، آرای دادگاه قانون اساسی و ادغام احزاب چپ صورت گرفت که هیچ‌یک از این موارد، نتوانستند مانع حزب عدالت و توسعه در تصرف کاخ ریاست جمهوری شوند. در واقع حزب عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷



توانسته بود اعتماد و حمایت آرای عمومی را کسب کند. حزب عدالت و توسعه ضمن برخورداری از اختلافات موجود میان گروه‌های لائیک، سعی کرد با عامه مردم، گروه‌های روشنفکر اسلامگرا و حتی روشنفکران لائیک، گروه‌های قومی و سایر بخش‌های دخیل و مؤثر در سطح جامعه ترکیه ارتباط نزدیکی برقرار کند. و با سود جویی از بحران به وجود آمده در میان گروه‌های لائیک در انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷ پیروز شود. به این ترتیب آرای ۳۴/۴ درصدی آن در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ در انتخابات ژوئیه ۲۰۰۷ به ۴۶/۵ درصد رسید. (یاووز، ۱۳۸۹: ۳۹۹) این حزب همچنین در سال ۲۰۱۱ برای سومین دور متوالی با شعار "ما همه یک ملتیم" توانست از ۵۵۰ کرسی موجود در مجلس ملی، ۳۲۶ کرسی را به دست آورد. (عظیمی، ۱۳۹۰: ۱۵۰)

#### ۱. سیاست‌ها و عملکردهای حزب عدالت و توسعه در بعد داخلی

##### ۱-۱. عرصه سیاسی

##### ۱-۱-۱. مشارکت سیاسی

از سال ۱۹۵۹ گروه‌ها و جنبش‌های اسلامگرا به طور قانونی آغاز به فعالیت کردند. در واقع باید گفت این بازگشت جریان‌های اسلامی جهت مشارکت در انتخابات از راه معرفی نامزدهای اسلامگرا نبود بلکه چالش احزاب لائیک با یکدیگر برای کسب آراء گروه‌های اسلامی سبب اهمیت یافتن آنان شد. علاقه مردم ترکیه به احزاب اسلامی زمانی آشکارا قابل فهم بود که حزب عدالت که به عنوان یک حزبی اسلامی است توسط نجم الدین اربکان در سال ۱۹۷۰ تأسیس شد. در دوره‌های مذکور، اسلامگرایان طی یک راهبرد مهم و بلند مدت درصدد برآمدند تا نخبگان تحصیلکرده همچون رجب طیب اردوغان، که حزب عدالت و توسعه را تأسیس کرد، بیشتری را تربیت کنند و در عرصه‌های مختلف قدرت سیاسی جای دهند. همه احزاب کهنه و نو با هر دیدگاه سیاسی و اجتماعی اعم از لائیک تندرو، ملی گرا، لیبرال، راستگرا و چپگرای سنتی در پیرون مجلس ماندند و عرصه مجلس فقط برای حضور دو حزب عدالت و توسعه و جمهوری خواه خلق باز شد. کسب درصد قابل قبولی از آراء در انتخابات سال‌های اخیر باعث شده تا حزب عدالت و توسعه بتواند بدون نیاز با دیگر احزاب لائیک و جمهوری خواه، موفق به تشکیل دولت شود. (کاویان نژاد، ۱۳۸۹) بر اساس مطالعات جامعه‌شناسان سیاسی در ترکیه، یک سوم مردم این کشور متمایل به اندیشه‌های سکولاریستی و دو سوم آن‌ها مذهبی می‌باشند. از میان مذهبیون ترک، ده درصد آن‌ها متمایل به تشکیل حکومت مبتنی بر شریعت و اجرای کامل احکام، مقررات و قوانین

اسلامی می‌باشند و ۶۰ تا ۷۰ درصد بقیه، محافظه کار بوده ولی به مدرنیسم نیز متمایلند. (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۶)

تجربه ترکیه، مؤید این واقعیت است که بسیاری از مسلمانان، چه آن‌هایی که در دولتی رسماً سکولار و یا اسلامی زندگی می‌کنند، دموکراسی را امید اصلی خود و ابزار مشارکت سیاسی کارآمد تلقی می‌کنند (اسپوزیتو و وال، ۱۳۸۷: ۷). می‌توان گفت، ارتباط مستحکم مردم مسلمان و دولت حاکم، در واقع اقدام رو به رشدی به نفع دموکراسی با رنگ و لعاب اسلامی است که در ترکیه شکل گرفته است. در این کشور، مسلمانانی که از جمله اسلام‌گرایان فعال به شمار نمی‌آیند، در فرآیندهای انتخاباتی مشارکت داشته و احساس روز افزون نیاز به اصول اخلاقی و آگاهی اسلامی را در حوزه‌های سیاسی وارد کرده‌اند.

#### ۱-۱-۲. رشد مردم سالاری و دموکراسی

در ریشه‌یابی علل رشد اسلامگرایی در ترکیه، کمتر صاحب نظری است که به مسئله رویکرد اسلام‌گرایان به صندوق رأی به عنوان مسأله‌آمیزترین راه نپرداخته باشد. خانم نیلوفر نالا، پژوهشگر و استاد دانشگاه‌های ترکیه که در مورد اسلامگرایی ترکیه تحقیق کرده، چنین نوشته است؛ موفقیت اجتماعی و اقتصادی ترکیه و رشد انتخابات مردمی، بخش چشمگیری از جامعه را به سمت اسلام کشانده است. برای باز شدن پای اعتدال در جامعه ترکیه، طبیعی است که مهم‌ترین شرط تحقق این موضوع، رشد مردم سالاری و رعایت اصول آن است که در سایه آن، مردم بتوانند مطابق باورها و اعتقادات خود تصمیم بگیرند (پارسا، ۱۳۷۷: ۶۷). در پایان دهه ۱۹۹۰ و با رشد روزافزون اسلام‌گراها بر محور حزب عدالت و توسعه، مسأله همچون آزادسازی اقتصادی و پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا موجب فرایند گذار به دموکراسی و موج جدیدی از این جریان در ترکیه شد. پیروزی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، همه زمینه‌های گذار به دموکراسی را با تأیید بر احترام به مبانی و اصول نظام سکولار فراهم کرد. پیروزی عبدالله گل در انتخابات ریاست جمهوری این کشور و پیروزی مجدد این حزب در سال ۲۰۰۷ در انتخابات پارلمانی، از نشانه‌های بارز ترکیه در فرایند گذار به دموکراسی است (اکبری کریم آبادی، ۱۳۸۹: ۲۷). هر چند گذار به دموکراسی در ترکیه از بالا و با خواست رهبران ترکیه‌ی نوین صورت گرفت اما به روشنی می‌توان دریافت که این تلاشی که بتوان آن را تلاش نخبه محور برای گذار به دموکراسی نامید بدون

### عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه .../۱۳۷

وجود بستر و زمینه‌ی اجتماعی کمابیش آماده که لاقلاً ظرفیت پذیرش برخی قواعد و اصول دموکراسی را داشته باشد، امکان پذیر نبوده است. در این میان، نکته قابل توجه این است که، احزاب اسلامگرای که در ترکیه به قدرت رسیده‌اند نه تنها در جهت معکوس و تضعیف دموکراسی برنیامده‌اند بلکه به جرأت می‌توان گفت برخلاف آنچه که برخی از آن، تحت عنوان خطر اسلامگرایان برای دموکراسی یاد می‌کنند، به تعمیق و تثبیت دموکراسی در ترکیه نیز یاری رسانده‌اند (لویس، ۱۳۸۶: ۱۲).

اکثریت کرسی‌های پارلمان ترکیه در اختیار حزب عدالت و توسعه است. این مسئله، نشان از پذیرش و اقبال مردم این کشور به برنامه‌ها و خط مشی و سیاست‌های این حزب در عرصه‌های داخلی و خارجی دارد. در عصر کنونی به روشنی پیداست دموکراسی بدون وجود حزب و نظام حزبی که بر اساس آن، رقابت در عرصه سیاسی قانون‌مند و ضابطه‌مند شده باشد، متصور نیست. بر این اساس، باید گفت در قرائت‌های میانه‌رو، وجود احزاب به عنوان ابزاری برای رقابت سیاسی با گروه‌های دیگری که خواهان کسب قدرت هستند، پذیرفته شده است. گروه‌های حامی این قرائت، طالب آنند که در انتخابات پارلمانی شرکت کنند و در یک فضای آزاد، اسلام را تبلیغ کنند. در ترکیه شخصیت‌های اسلامگرا از طریق پیروزی در حزب و شرکت در انتخابات پارلمانی و بعد از آن دستیابی به مقام‌های ارشد کشوری توانسته‌اند جایگاه خود را به عنوان رهبران اسلامگرا در جهت پیشبرد اهداف خود در عرصه‌های مختلف و همنوایی این اهداف با اصول اسلامی به جهانیان نشان دهند.

#### ۱-۳-۱. بازسازی هویت ملی و اسلامی

در زمان جنگ سرد، ترکیه هویت سیاسی خود را به عنوان جزئی از بلوک غرب و در تقابل با اتحادیه جماهیر شوروی تعریف می‌کرد. بعد از جنگ سرد، کمالیست‌ها تلاش کردند پان ترکیسم را جایگزین پان کمالیسم کنند. با گذشت سال‌های طولانی، عملاً مردم ترکیه با روش‌های مختلف از جمله انتخابات اخیر نشان دادند که این سیاست‌ها برگرفته از فرهنگ غنی ترکیه نمی‌باشد و به همین دلیل رغبتی به آن نشان ندادند و همواره به دنبال احیای فرهنگ اسلامی برای مرهم نهادن بر زخم‌های هویتی خود بودند. بنابراین، گرایش به اسلام به عنوان مهم‌ترین گزینه، همواره در جامعه ترکیه مطرح بوده است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۴) مردم ترکیه اصولاً خواهان حفظ هویت اسلامی خود هستند. حضور اتباع ترک در برخی از کشورهای غربی و تأکید آنان بر حفظ فرهنگ خود و

رعایت شعائر اسلامی، نمونه‌ای از اصالت فرهنگی و دینی آن‌ها است. انتخابات سال ۲۰۰۲ و پیروزی حزب عدالت و توسعه، انعکاس نوع مطالبات جامعه ترکیه است. حزب عدالت و توسعه همواره تلاش کرده است با استفاده از تجربه اسلاف اسلامگرای خود در دولت و موانع موجود در نهادهای لائیک ترکیه و همچنین حساسیت‌های برخی کشورهای غربی نسبت به حاکمیت دولت اسلامی در ترکیه، تعریف جدیدی از اسلام سیاسی متناسب با شرایط ترکیه ارائه دهد تا با کمترین مزاحمت در مسیر حرکت خود مواجه شود. به همین جهت، این حزب سعی کرده است از اسلام رادیکال فاصله بگیرد و در مقابل، کلیه اقشار و گروه‌هایی را به سوی خود جلب کند که مخالف اسلام نیستند. این حزب سعی کرده انواع اندیشه‌ها و گرایشها را در خود جای دهد. تردیدی نیست که اقدامات دولت اردوغان در راستای احیای هویت اسلامی جامعه ترکیه، در پیروزی مجدد این حزب در انتخابات اخیر نقش بسزایی داشته است. (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۵-۵۶) به عبارت دیگر، حزب عدالت و توسعه توانسته است حس هویت‌خواهی را با توجه به واقعیت‌های صحنه سیاسی ترکیه، نیازهای طبقات متوسط و واقعیت‌های دنیای جدید هماهنگ سازد و ویژگی‌هایی چون، دوری از اسلام رادیکال و افراطی در جامعه، ایجاد تلفیقی موفق از ویژگی‌های ملی، دینی و جهانی در جامعه و ارائه این ویژگی‌ها را از طریق تعامل صحیح با مردم، احترام به ارزش‌های قومیت‌ها و گروه‌های مختلف در جامعه، عزت و افتخار به مسلمان بودن در بین مسلمانان جامعه برقرار سازد.

#### ۱-۱-۴. نحوه تعامل با گروه‌ها و ایدئولوژی‌های رقیب

قدرت ارتش و نفوذ نهادهای لائیک، ریشه در تأسیس جمهوری ترکیه دارد و تجربه دهه‌های گذشته نشان داده است که ارتش در مواقعی بدون توجه به آراء مردم و حتی از طریق کودتا، امور را به سمت دلخواه خود هدایت می‌کند. برای نمونه، می‌توان به برپایی کودتای سفید توسط ارتش و لائیک‌ها علیه دولت ائتلافی اربکان اشاره کرد و یا به صدور بیانیه شدیدالحن ارتش و اقدام حزب جمهوری خواه در تحریم جلسات پارلمان در بررسی نامزدی عبدالله گل برای ریاست جمهوری اشاره کرد که در نهایت به انحلال پارلمان، دولت و انتخابات زود هنگام منجر شد. آنچه می‌تواند فشارهای ارتش و نهادهای لائیک را خنثی کند، تداوم مشی اعتدال و حمایت‌های مردمی می‌باشد. دولت اردوغان با بهره‌گیری از مشی میانه‌روی تلاش کرد تا در برابر نهادهای لائیک با احتیاط بیشتری رفتار کند و درگیری و مقابله با این نهادها، به ویژه ارتش، را به حداقل برساند، حتی

با اعمال برخی از سیاست‌ها سعی در جلب اعتماد آن‌ها نمود. دولت اردوغان در دوره اول حکومت خود، پرهیز از افراط‌گرایی را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. این اقدام باعث شد بسیاری از اتهاماتی که گروه‌های مخالف به دولت اردوغان وارد می‌آوردند و امیدوار بودند تا بدین وسیله با کمک ارتش و نهادهای لائیک مانع از اجرای برنامه‌های آن شوند، خنثی گردد. (گزارش نشست مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶: ۸) رویکرد معتدل حزب عدالت و توسعه در ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۷ با توجه به رفتارها و اقدامات طرفداران دولت لائیک، تا حدودی از مسیر میانه‌روی خارج شد. رهبران حزب عدالت و توسعه به دلیل موقعیت ضعیف نیروهای لائیک به این جمع بندی رسیدند که لازم است اقدامات قاطع‌تری در برابر آن‌ها اتخاذ شود. بدون زمینه اجتماعی مناسب، نخبگان سیاسی لائیک به مهره‌های سوخته بدل می‌شوند و حمایت از آنها به نتایج مفیدی برای دولت‌های غربی منجر نمی‌شود و شاید همین، رمز مواضع جسورانه‌تر دولت اردوغان در برابر آمریکا بود. (واعظی، ۱۳۸۷: ۵۶-۵۷) حزب عدالت و توسعه در هر سه دوره قدرت یافتن خود در عرصه سیاسی کشور ترکیه به حفظ مصلحت نظام و آرامش جامعه در برابر فشارهای داخلی و بین‌المللی توجه ویژه داشته است و رهبران این حزب سعی کرده‌اند در برابر این گروه‌ها، همواره شیوه‌ای مسالمت‌جویانه و به دور از تنش را اعمال کنند و در واقع این شیوه عمل را در جهت رشد مردم‌سالاری و دموکراسی در جامعه می‌دانند.

#### ۱-۱-۵. اصلاحات قانون اساسی

برگزاری انتخابات اخیر اصلاحات قانون اساسی ترکیه، جایگاه این کشور را به عنوان یکی از قدرت‌های خاورمیانه و نمادی از دموکراسی اسلامی تقویت کرد و آنچه را که مدل نوین دموکراسی قادر به انجام آن است، در مقابل دیدگان جهانیان به نمایش گذاشت. این انتخابات در ۱۲ سپتامبر ۲۰۱۰ برگزار، و ۲۶ ماده از مواد قانون اساسی ترکیه به همه‌پرسی گذاشته شد و در نتیجه‌ی آن ۵۸ درصد رأی مثبت و ۴۲ درصد به تغییر موادی از قانون رأی منفی دادند. تصویب این اصلاحات با رأی مردم که مورد تأیید اتحادیه‌ی اروپا نیز هست، مهم‌ترین گام در راه تدوین یک قانون اساسی دموکراتیک در این کشور است. (اکبری کریم آبادی، ۱۳۸۹: ۲۶) علت تغییر قانون اساسی توسط دولت اردوغان بیش از هر چیز، درخواست‌های عمومی و خواهش‌های مردمی بوده است، چرا که مردم ترکیه خواستار دموکراسی و آزادی بیان و آزادی عمل در چارچوب قانون می‌باشند. در خصوص چشم‌انداز آینده تحولات ترکیه باید گفت، همه‌پرسی در حوزه‌های داخلی

و منطقه‌ای تأثیراتی بر جای خواهد گذاشت. در حوزه‌ی داخلی، جامعه مدنی تقویت و به دنبال آن دخالت ارتش در سیاست کاهش خواهد یافت، فرصت‌های تازه‌ای برای گروه‌های اسلامگرا برای تأثیر گذاری در حوزه‌ی عمومی به وجود خواهد آمد، احتمال ظهور احزاب جدید اسلامگرا مانند علویان نیز وجود خواهد داشت. در حوزه‌ی منطقه‌ای نیز مواضع ترکیه برای پیوستن به اتحادیه‌ی اروپا تقویت خواهد شد. و انتقادهای اروپا کاهش خواهد یافت. از سویی، غرب از الگوی نوین ترکیه در جهت فزاینده‌ی دولت- ملت سازی دموکراتیک در خاورمیانه بهره برداری خواهد کرد. (قهرمان پور، ۱۳۹۰: ۱۳۹) برخی تحلیلگران مسائل سیاسی ترکیه، تصویب اصلاح قانون اساسی در این کشور را گام بلند دیگری از سوی اردوغان می‌دانند. بر این اساس حزب عدالت و توسعه بار دیگر قدرت خود را به رخ نیروهای مسلح ترکیه کشیده است. اما می‌توان گفت تحقق این اقدامات در واقع پیروزی بزرگ و قابل تمجید اسلامگرایان ترکیه است زیرا تغییر قانون اساسی نظامی به یک قانون اساسی غیر نظامی توسط دولت اسلامگرای اردوغان پیشنهاد شده است.

## ۲-۱. عرصه اجتماعی

### ۱-۲-۱. احیاء شعایر دینی

در یک جامعه اسلامی، شکل مناره‌ها و عظمت مساجد می‌تواند از جایگاه معنویت در آن حکایت نماید. مسجد، بارزترین گواه هویت و شناسنامه‌ی اسلامی یک سرزمین است. التزام به اقامه‌ی اذان به شکل زنده در پنج وقت شرعی، طعم زندگی توأم با اسلام را به مردم می‌چشاند. تغییر حاکمیت و حتی تحول در نسل‌های موجود در سرزمین آناتولی ظاهراً تأثیر بسیار اندکی بر این نهاد گذاشته است. ساخت مساجد در کنار افزایش کمی تعداد مسجدها از شاخص‌هایی است که به عنوان رشد فیزیکی اسلامگرایی در ترکیه مطرح می‌باشد. (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰: ۳۰۰) همچنین، یکی از عمده‌ترین شعائر اسلامی که جلوه عمده اسلامگرایی در جامعه ترکیه شده است، پوشش اسلامی بانوان است، رعایت حجاب اسلامی در جامعه ترکیه، از دیدگاه محافل لائیک، نشانه گرایش به اسلام و ضدت با نظام لائیک محسوب می‌شود و عملاً تا به حال، یکی از نقاط تقابل نظام حاکمه ترکیه با مردم خود بوده است، از این رو مهم‌ترین شعارهای احزاب اسلامگرا، آزادی بانوان در حفظ حجاب اسلامی است. (زارع خورمیزی، ۱۳۸۳، ۴۵-۴۷) برای رهبران حزب عدالت و توسعه، اسلام هویت مردم ترکیه، سرچشمه اخلاقیات و نیز بنیان مشروعیت حکومت آن است. بنا به درکی فراگیر و مشترک در میان رهبری حزب، بدون اسلام اخلاقیاتی وجود ندارد و

اسلام شرط لازم بنای جامعه‌ای اخلاقی است. بنا به این باور مردم با ادای نماز و فرایض دینی خود، کمتر در معرض فساد خواهند بود و احتمال این که در خدمت منافع جامعه باشند بیشتر است. (یاووز، ۱۳۸۹، ۱۵۵) هر مسافری که پا به شهرهای ترکیه می‌گذارد مدهوش مساجد و بناهای مذهبی آن و تعجیل مردم برای شرکت در نمازهای پنجگانه می‌شود. به وقت گفتن اذان، مساجد مملو از جمعیتی می‌شود که نماز و شعائر اسلامی را نه تنها به عنوان بخشی از اعمال مذهبی خود محسوب می‌کنند، بلکه بدان به چشم هویت غیرقابل انکارشان می‌نگرند. (کاوایان نژاد، ۱۳۸۹)

مبارزه با مظاهر ضد دین و اخلاق توسط حزب عدالت و توسعه در اولین دوره‌ی قدرت یافتن این حزب، مسئله‌ای قابل تحمل است. و در دوره‌های بعدی، روندی مصلحت جویانه را پیش گرفته است و حتی در برابر بسیاری از رفتارهای ضد اسلامی مانند، برپایی اماکن تفریحی برای گردشگرانی با عقائد لائیک و ضد دینی واکنشی نداشته است.

#### ۱-۲-۲. عملکرد نهادهای آموزشی

بدون تردید آینده اسلامگرایی در ترکیه براساس نوع تفکر نسل آینده شکل می‌گیرد و در حقیقت هر نسل، برحسب برداشت خود از مذهب و تعامل آن با جامعه و اجتماع خود، منشاء تحول در تاریخ خواهد شد. آموزش در این میان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و اگر دستگاه بزرگ آموزش و پرورش بتواند نسل جوان را از داشته‌های فرهنگی راضی سازد، جایی برای بروز نارضایتی در آینده نخواهد بود. (حیدرزاده نائینی، ۱۳۸۰، ۲۷) با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، یکی از اهداف این حزب، تأکید بر آموزش و پرورش به منظور پیشروی در مسیر توسعه و دموکراسی اعلام شد. این حزب با طرح اصلاح سازمان آموزش عالی، تغییر ساختاری را در این نظام به وجود آورد و این موضوع باعث نگرانی ارتش شد، چرا که تا قبل از این، فارغ التحصیلان مدارس مذهبی امام خطیب فقط حق داشتند در رشته‌های مربوط به الهیات تحصیل کنند و تصویب این طرح به آن‌ها اجازه می‌دهد که در سایر بخش‌های آموزش عالی نیز فعال شوند. همچنین، تلاش حزب عدالت و توسعه برای دینی نمودن آموزش در مدارس در سال ۲۰۰۷ نمونه‌ای دیگر از تلاش این حزب در راستای تعمیق اسلامگرایی در ترکیه می‌باشد. (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۷)

طریقت فتح الله گولن در ترکیه، وزارت آموزش و پرورش را در حاکمیت خود دارد و در واقع سیاست‌های آموزشی در ترکیه بر اساس ایدئولوژی‌های این طریقت پی‌ریزی شده است. فتح الله

گولن رهبر معنوی حزب عدالت و توسعه است و در واقع نظارت بر محتوای کتاب‌ها و نشریات بر عهده پیروان این طریقت انجام می‌شود.

### ۱-۲-۳. تعامل با اقلیت‌های قومی و مذهبی

جامعه ترکیه، دارای اقلیت‌های قومی و دینی مختلف است. اختلاف منافع، عقاید و خواسته‌های میان این اقوام و مذاهب و بحران‌های ناشی از آن، همواره چالشی بزرگ بر سر راه دولتمردان و نخبگان این جوامع در مسیر توسعه و ایجاد ثبات سیاسی و اجتماعی بوده است. (تورانلی، ۱۳۸۹) در ترکیه اقلیت‌های قومی و مذهبی مانند کردها، ارمنه، علوی‌ها، شیعیان و طریقت‌ها وجود دارند. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، دولت اردوغان تلاش کرد در سیاست داخلی خود از یک سویه‌نگری پرهیز کند و خواسته‌ها و مطالبات گروه‌های مختلف را نیز مدنظر داشته باشد. این دولت تلاش کرد با اعلام سیاست‌های خود، مبنی بر رعایت حقوق بشر و حق شهروندی، از جمله تأکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی و دینی و حقوق شهروندی در میان افکار عمومی، دولتی دموکرات تلقی شود. کادرهای ارشد حزب عدالت و توسعه به خوبی می‌دانستند که سیاست‌های کمالیست‌ها طی سال‌های گذشته دو گروه از جامعه ترکیه را به شدت ناراضی کرده است، این دو گروه عبارت بودند از کردها و توده‌های مذهبی. انجام اصلاحات توسط اردوغان در گرایش گروه‌های ناراضی به سوی حزب عدالت و توسعه تاثیر بسزایی داشت. مخالفت کردها، که از سوی دولت‌های قبلی، «ترک‌های کوهی» نامیده می‌شدند، در نتیجه سیاست‌های مزبور کاهش پیدا کرد. نتیجه اعمال این سیاست در انتخابات اخیر تبلور یافت، به گونه‌ای که حزب عدالت و توسعه بیشترین آراء خود را در مناطق کردنشین و مناطقی کسب کرد که اقلیت‌های دینی (علوی‌ها و طریقت‌های مذهبی)، در آن‌ها زندگی می‌کنند. دولت اردوغان نخستین دولتی بود که طی چند دهه اخیر حالت فوق‌العاده را در مناطق کردنشین ترکیه لغو کرد، اما در عین حال در مقابل گرایش‌های جدایی طلبانه کردها به شدت ایستاد (واعظی، ۱۳۸۶: ۵-۶). حزب عدالت توسعه، در مورد فعالیت‌های مدنی و سیاسی علویان و دیگر اقلیت‌های مذهبی و قومی نیز، رفتاری دموکراتیک‌تر از خود نشان داده، و با تلاش برای رفع تبعیضات سابق و احقاق حقوق این اقلیت‌ها و ایجاد برابری و عدالت برای عموم مردم ترکیه به ایجاد آرامش و امنیت واقعی و بنیادی و همگرایی اجتماعی در کشور کمک شایانی نموده‌اند. (تورانلی، ۱۳۸۹)



### ۱-۳. عرصه اقتصادی

به میدان آمدن حزب مام میهن در دهه ۱۹۸۰ به عنوان نیرومندترین حزب، موجب تشکیل بخش فعال و جدیدی در اقتصاد ترکیه شد و سیاست‌های باز اقتصادی تورگوت اوزال، مجوز ورود جریان‌های اسلامی را به صورت شرکت‌های اقتصادی جدید صادر کرد. (لویت، ۱۹۹۹: ۲۵) در دوران اوزال، حزب اسلامگرای رفاه به رهبری اربکان تشکیل شد. اربکان، علاوه بر مهار تورم و برخی مشکلات داخلی، در عرصه خارجی نیز با ابتکار عمل توانست جایگاه این کشور را در سطح جهان توسعه بخشد و با رایزنی‌های متعدد توانست سازمان اقتصادی «دی ۸» را که هشت کشور بزرگ اسلامی را در بر می‌گرفت تأسیس کند و اولین اجلاس سران آن را در استانبول برگزار کند. (زارع، ۱۳۸۱: ۱۳۲) گفتمان سیاسی اربکان تا حد زیادی بر گفتمان اقتصادی انجمن صاحبان صنایع و بازرگانان مستقل و نیز ضدت آن با اتحادیه‌ی اروپایی چیره بود. (یاووز، ۱۳۸۹: ۱۰۶) در سال ۲۰۰۲ که دولت اردوغان به قدرت رسید ترکیه دارای وضعیت اقتصادی نامناسبی بود. اسلامگرایان با برنامه‌های اصلاحی کمال درویش، وزیر اقتصاد ترکیه، نرخ تورم را یک رقمی کردند و رشد اقتصادی را که در دهه‌ی ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به طور میانگین کمتر از ۴ درصد بود به ۷/۴ درصد افزایش دادند (گنجی ارجنکی، ۱۳۸۸: ۱۹۴). دولت اردوغان با اتخاذ سیاست اصلاحات اقتصادی از جمله خصوصی سازی، تعامل بیشتر در روابط خارجی و همراهی با اقتصاد جهانی، توانست در مدت ۵ سال تحولات مهمی در اوضاع اقتصادی ترکیه ایجاد کند و با تقویت اقتصاد ترکیه، رضایت عمومی را جلب کند. (واعظی، ۱۳۸۶: ۵) برخی از سیاست‌ها و عملکردهای اقتصادی دولت اردوغان را می‌توان به شرح زیر فهرست کرد،

- جذب سرمایه خارجی از طریق خصوصی سازی بنگاه‌های اقتصادی، به ویژه در عرصه صنایع مرتبط با نفت و گاز، بانک داری و بنادر بزرگ؛
- کنترل مؤثر تورم و تک رقمی کردن آن (نرخ تورم در سال ۲۰۰۴ به ۹/۳ درصد کاهش یافت که این رقم طی ۳۰ سال گذشته در ترکیه بی سابقه بود)؛
- کاهش نرخ بیکاری تا ۱۰ درصد؛
- افزایش ارزش پول ترکیه (لیر) در مقابل ارزهای خارجی؛
- افزایش درآمد سرانه ملی ترکیه به حدود ۷۴۰۰ دلار؛
- استمرار رشد تولید ناخالص داخلی معادل ۶ به صورت درصد در سال‌های اخیر؛

- افزایش صادرات؛

- جلب اعتماد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول با در پیش گرفتن اصلاحات اقتصادی و استراتژی توسعه صادرات به منظور اخذ وام‌های کم بهره از این نهادهای بین المللی؛

- افزایش تعهد و مسئولیت پذیری نهادهای دولتی و عمومی در برابر شهروندان؛

- کاهش محسوس فساد اداری و مالی در بدنه حکومت (گزارش نشست مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۶: ۳-۴).

به طور کلی می‌توان گفت در زمینه اقتصادی، حزب عدالت و توسعه با در پیش گرفتن سیاست‌های آزادسازی، خصوصی‌سازی و همراهی با اقتصاد بازار جهانی، موفق شد به این دستاوردها نائل شود. همچنین در زمینه اقتصاد داخلی، اردوغان کمک‌های زیادی به مناطق توسعه نیافته ترکیه و فقرا کرد. حزب عدالت و توسعه در ارتقای سطح زندگی مردم و تعیین معاش آن‌ها، موفقیت در خور توجهی داشته است. (اکبری، ۱۳۸۸: ۴۹)

## ۲. سیاست‌ها و عملکردهای حزب عدالت و توسعه در بعد خارجی

### ۲-۱. عرصه بین المللی

#### ۲-۱-۱. نحوه تعامل و ارتباط با اتحادیه‌ی اروپا

از سیاست‌های ترکیه از بدو تأسیس حکومت جمهوری در این کشور، تلاش در جهت پیوستن به غرب بوده است. کوشش دولت مردان این کشور در چند دهه گذشته برای اتحاد با اروپا و ورود به جامعه‌ی اروپا در راستای این هدف می‌باشد. همه در رسیدن به این هدف گام برداشته و در فرصت‌های مناسب تمایل خود را برای پیوستن به جامعه اروپا اعلام داشته‌اند. (قاسمی، ۱۳۸۴: ۱۹۴)

در اواسط دهه ۱۹۹۰ رابطه ترکیه و اتحادیه اروپا یکی از دو یا سه مسئله مهم سیاست خارجی ترکیه بود که به طور واضحی میان کمالیست‌ها و اسلامگرایان شکاف ایجاد کرده بود. کمالیست‌ها به شدت طرفدار عضویت کامل در اتحادیه مذکور بودند، چون آن را به عنوان یک پناهگاه برای حفظ سکولاریسم ترکیه در مقابل ظهور جنبش اسلامگرای مدرن می‌دیدند. (Robin, 2007: 292). اما حزب رفاه که شامل تقریباً تمام جریان‌های اسلامگرای آن زمان بود، با عضویت در اتحادیه اروپا مخالفت می‌کرد. حزب رفاه مشخصاً استدلال می‌کرد که اتحادیه اروپا به لحاظ فرهنگی دارای ماهیتی کاملاً مسیحی است و ترکیه کشوری اسلامی می‌باشد. (نقذی نژاد، ۱۳۸۷: ۲۷) این در حالی است که حزب اسلامگرای عدالت و توسعه با نگرشی مثبت به

عضویت ترکیه در این اتحادیه نگاه می‌کرد. درست شش هفته بعد از انتخابات نوامبر ۲۰۰۲ رجب طیب اردوغان یک طوفان دیپلماتیک به پا کرد، او اعلام کرد که هدف اصلی‌اش متقاعد کردن رهبران اروپا برای معین کردن تاریخ مشخصی برای شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا است. به عبارت دیگر اردوغان می‌خواست از اتحادیه اروپا به عنوان یک ابزار استفاده کند. از آن جا که در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ اسلامگرایان رنج‌های زیادی را از سکولارها کشیدند، اما حزب عدالت و توسعه که مشتمل بر نسلی جوان‌تر و نوگراتر از اسلامگرایان احزاب گذشته بود عضویت در اتحادیه اروپایی را اهرم مناسبی برای مقابله با کمالیست‌ها دانست. حزب عدالت و توسعه امیدوار بود تا از این طریق بتواند تکثرگرایی و دموکراسی را در ترکیه حفظ کند و مانع مداخله ارتش در سیاست شود بنابراین، هدف اصلی حزب عدالت و توسعه در حمایت از عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا در مرحله اول آن است که از این اتحادیه به عنوان یک سپر محافظ در مقابل کمالیست‌ها استفاده کند (Ayata, 1996:41).

یکی از شگفتی‌های بزرگ تاریخ ترکیه این است که تلاش این کشور برای عضویت در اتحادیه اروپا زمانی صورت می‌گیرد که یک حزب اسلامگرا قدرت سیاسی را در ترکیه در اختیار دارد عوامل و علل چنین تحولی، پیچیده و در عین حال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اسلامگرایان یا حتی بعضی از سیاستمداران متمایل به غرب در ترکیه همواره از این شکایت داشته‌اند که ارتش این کشور به گونه‌ای سازمان یافته از قدرت یافتن اسلامگرایان و حضور در صحنه‌های سیاسی کشور جلوگیری کرده است. به همین علت زمانی که گفت و گو برای ورود ترکیه به اتحادیه اروپا آغاز شد، اسلامگرایان و لیبرال‌ها چنین تصور می‌کردند که اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا به عنوان پیش شرط پیوستن ترکیه به این اتحادیه در واقع در راستای منافع و اهداف این اتحادیه قرار دارد و به نفع ترکیه نیست که این خواسته‌های اروپا را برآورده کند. هم اتحادیه اروپا و هم اسلامگرایان میانه‌رو خواستار برقراری دموکراسی بیشتر در کشور و کاهش نقش ارتش در سیاست بودند در واقع بسیاری از ترک‌ها در این آرمان سهیم هستند اما اسلامگرایان بیش از همه از کاهش نقش ارتش در سیاست و دموکراسی فراگیر، سود خواهند برد (لواسانی، ۱۳۸۴:۹). اگرچه سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ نقاط مثبتی در روابط ترکیه و اتحادیه اروپایی بود و نقطه امیدی برای ترک‌ها به وجود آمد که در آینده نزدیک عضو کامل اتحادیه اروپا شوند اما در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ امید ترک‌ها به ورود به اتحادیه اروپا رو به یأس بود. دلایل

چندی برای این سردی روابط میان ترکیه و اتحادیه اروپا وجود دارد. (۱) بین المللی کردن مسئله قبرس توسط اتحادیه اروپا و در نهایت الحاق قبرس در ماه مه ۲۰۰۴ به اتحادیه اروپا، یکی از پیش شرطها برای عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا حل مسئله قبرس بوده است. (۲) برداشت عمومی ترک‌ها از اینکه عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا تا قبل از ۲۰۱۱ غیر ممکن است و بعید هم نیست که به بعد از ۲۰۱۴ موکول شود. (۳) سپری شدن دوره حکومت بعضی رهبران کلیدی اروپا که از عضویت ترکیه حمایت می‌کردند، نظیر «برلوسکونی» در ایتالیا و «گرهادر شرودر» در آلمان در حالی که نسل جدید رهبران اروپا چندان رغبتی به پذیرش عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا ندارد (Robins, 2007: 293). همچنین می‌توان به مسئله جمعیت مسلمانان ترکیه اشاره کرد که ترکیه با ۷۴ میلیون جمعیت پس از ورود به اتحادیه اروپا، بعد از آلمان ۸۲ میلیون نفری، پرجمعیت‌ترین کشور اروپایی محسوب می‌شود. از آنجا که یکی از شاخص‌های نظام رأی‌گیری در اتحادیه اروپا، جمعیت است. ترکیه در صورت ورود به اتحادیه اروپا، جایگاهی بزرگ‌تر و مؤثرتر از برخی کشورهای بنیانگذار اتحادیه اروپا مانند فرانسه، در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپا خواهد یافت. این موضع راست‌گرایان اروپا نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا یک کلوپ مسیحی است و همین موضوع، چشم‌انداز مذاکرات ترکیه با اتحادیه اروپا را مبهم ساخته است. مقامات اروپایی این حقیقت را که حکومت ترکیه حکومتی اسلامگراست را نادیده می‌گیرند و سعی می‌کنند مقامات اروپایی را قانع کنند که حکومت ترکیه سکولار و اروپایی است و نظام سیاسی ترکیه سکولار و لیبرال است و این امر از مشکلات اصلی ترکیه در زمینه راهیابی به اتحادیه اروپاست و به همین دلیل تا کنون نه اروپا توانسته مشکل خود را حل کند و نه ترکیه توانسته هویت خود را انتخاب کند. (بصیری، ۱۳۸۹: ۱۱-۶)

## ۲-۱-۲. نحوه تعامل با آمریکا

ترکیه بیش از نیم قرن است که متحد سیاسی و نظامی آمریکا بوده است. این رابطه بدون مشکل نبوده، اما همیشه جواب نیازهای دوره‌ای خود را داده است. بهترین و طولانی‌ترین دوره، زمان جنگ سرد بود که طی آن، نیازهای راهبردی دو طرف کاملاً با هم هماهنگ بود. در آن سال‌ها، آمریکا متحدی می‌خواست که اصول سیاست خارجی آنرا کاملاً رعایت کند. (کینزر، ۱۳۸۹: ۲۶۲) سال‌هاست که ترکیه با آمریکا روابط عمیق و استراتژیکی دارد. ترکیه با وجود روی کار آمدن

دولت اسلامگرای حزب عدالت و توسعه نیز همچنان سعی کرده است روابط دیرین خود را با غرب، به ویژه آمریکا و اتحادیه اروپا حفظ کند. مهم‌ترین تردیدهای آمریکا و غربی‌ها نسبت به سیاست‌های دولت کنونی ترکیه به رفتارها و مواضع این کشور در قبال دولت حماس در فلسطین و پرونده‌ی هسته‌ای ایران برمی‌گردد. علاوه بر این، مخالفت مجلس این کشور با عبور سربازان آمریکایی از خاک ترکیه برای حمله به عراق و اظهار نظر مسئولین این حزب درباره پرونده هسته‌ای ایران و تأکید ایشان بر حل صلح‌آمیز موضوع هسته‌ای نه تنها رضایت آمریکایی‌ها را به دنبال نداشت بلکه در داخل نیز به اختلاف نظر اسلامگرا و لائیسیم در زمینه سیاست خارجی دامن زده است (رستگار، ۱۳۸۵: ۶۷). در واقع ترکیه اکنون نقش یک میانجی، آشتی دهنده و داور را از دید آمریکا دارد. کمتر کشوری است که به اندازه ترکیه برای چنین کاری مجهز باشد. در تفکر «داوود اوغلو» وزیر خارجه ترکیه که وی آن را «عمق راهبردی» می‌داند، ترکیه یک صلح‌ساز بسیار فعال است (کینزر، ۱۳۸۹: ۲۶۳-۲۶۴). برای ترک‌ها روابط ویژه با آمریکا و غرب (عضویت در ناتو)، تصمیم‌گیری‌های موردی مستقل از آمریکا (مانند مسئله عراق) و تداوم حضور مؤثر آمریکا در منطقه، دارایی‌هایی محسوب می‌شوند که می‌توانند از آن‌ها برای تبدیل شدن به قدرت مرکزی استفاده کنند. اما مهم‌ترین دارایی ترک‌ها در راستای تبدیل شدن به قدرت مرکزی و حفظ این موقعیت را می‌توان بحران‌های منطقه خاورمیانه دانست که سیاست خارجی ترکیه آن‌ها را شناسایی و مورد استفاده قرار می‌دهد. این کشور از آنجایی که نقش قدرت مرکزی منطقه را از آن خود می‌داند، در راستای تقویت این جایگاه حق تصمیم‌گیری و عمل‌آزمایی در برابر آمریکا و غرب را برای خود محفوظ می‌داند و گاه هم راستا با آمریکا و گاه مخالف خواست آن کشور عمل می‌کند. برای مثال در مسئله هسته‌ای ایران از حق ایران دفاع و در مقابل خواست آمریکا استقلال عمل نشان می‌دهد و در بحران سوریه با آمریکا هم سو شده (موافقت با احداث سپر دفاع موشکی) و به دنبال تضعیف و حتی حذف بشار اسد است. (صولت، ۱۳۹۰)

## ۲-۲. عرصه منطقه‌ای

### ۲-۲-۱. نحوه تعامل با قبرس

مسئله قبرس در گذشته برای کمالیست‌ها به مثابه یک امر مقدس تلقی می‌شد و حمایت از قبرسی‌های ترک تبار ساکن در شمال جزیره قبرس، یک مسئله غیر قابل سؤال برای آن‌ها بود. به هر حال گرایش‌های تجدید نظر طلبانه اکثریت یونانی تبارهای قبرس در مورد موافقت نامه سیاسی

۱۹۶۰ منجر به ایجاد ناامنی‌های پراکنده‌ای علیه اقلیت ترک تبار این جزیره شد. در نهایت «بولنت اجویت» نخست وزیر وقت ترکیه در سال ۱۹۷۵ نیروهای نظامی ترکیه را عازم قبرس کرد و شمال این جزیره را اشغال کرد. تحلیل‌های مختلفی راجع به این اقدام ارتش ترکیه صورت گرفت، اما اسلامگرایان ترکیه علاقه‌ای به مسئله قبرس نداشتند. (Robins, 2007: 296)

زمانی که اسلامگرایان در سال ۲۰۰۲ به قدرت رسیدند، اختلاف ترکیه و یونان در حال زوال بود. نگرش اسلامگرایان به مسئله قبرس کاملاً غیر عاطفی و خالی از احساسات و فاقد منافع شخصی بود. اسلامگرایان به خوبی واقف بودند که مهم‌ترین مانع ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا در آن زمان مسئله قبرس بوده است. روشن بود که حزب عدالت و توسعه در راستای حل مسئله قبرس اقدام خواهد کرد. حزب عدالت و توسعه نشست سران اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۲ را فرصت مغتنمی می‌دید و به هیچ وجه حاضر نبود موضعی اتخاذ کند که سایر طرف‌ها احساس کنند ترکیه در فرایند مذاکرات صلح، کارشکنی می‌کند. اسلامگرایان حاکم، راه حل مسالمت-آمیز را برای حل مسئله قبرس ترجیح دادند. در فرصت بعدی یعنی فوریه ۲۰۰۴ که کوفی عنان، دبیر کل وقت سازمان ملل طرح خود را در مورد قبرس مطرح کرد، حزب عدالت و توسعه موفق شد با ادامه راه حل مسالمت آمیز و دموکراتیک خود، موضع انعطاف ناپذیر نظامیان را کم رنگ تر کند. ۶۵ درصد بخش ترک نشین جزیره به طرح عنان در فروردین ۲۴ آوریل ۲۰۰۴ رأی مثبت دادند و ۷۵ درصد بخش یونانی نشین به این طرح رأی منفی دادند و در نهایت پذیرش عضویت قبرس (بخش یونانی نشین) در اتحادیه اروپا باعث شد که کمالیست‌ها از موضع افراطی خود دست بردارند و به موضع گیری معتدل تری که به موضع اسلامگرایان نزدیک بود، رضایت دهند. در این شرایط، نظامیان هم حاضر نبودند به خاطر قبرس در فرآیند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا مانع ایجاد شود. (Robins, 2007: 297-298)

#### ۲-۲-۲. نحوه تعامل با سوریه

در سال ۲۰۰۲ آمریکا سوریه را در شمار کشورهای مخالف امریکا قرار داد و این مسئله روابط سوریه و ترکیه را بغرنج کرد و در نهایت پس از فوریه ۲۰۰۵ و ترور رفیق حریری، نخست وزیر فقید لبنان که عموماً انگشت اتهام متوجه رژیم سوریه بود روابط سوریه و ترکیه وارد مرحله نامساعدتری شد. ایالات متحده موضع خصمانه تری نسبت به سوریه گرفت ولی ترک‌ها هنوز

حاضر نبودند بهبود نسبی روابطشان را با سوریه که به سختی به دست آورده بودند، به خطر اندازند. (Larrabee, 2007: 109) در اواخر دسامبر ۲۰۰۴ رجب طیب اردوغان دیداری رسمی از ترکیه داشت و چشم انداز آینده روابط دو جانبه میان این دو کشور را با نگرشی خوش بینانه مورد ارزیابی قرار داد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۲۵۱) این دیدار پس از آن بود که بشار اسد رئیس جمهور سوریه در ژانویه ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرده بود. این اولین دیداری بود که توسط رئیس جمهور سوریه، از زمان استقلال سوریه در سال ۱۹۴۶ اتفاق افتاد. در سال ۲۰۰۹ و در رویکرد جدید سیاست گذاران ترکیه، سوریه به عنوان یک متحد و دوست بالقوه مطرح است (Aras & Polat, 2010: 16-18). در سال ۲۰۱۱ و پس از شروع خیزش‌های اسلامی در کشورهای عربی، وضعیت نظامی پیچیده‌ای در سوریه به وجود آمد. پس از آغاز شورش‌ها و تحرکات شبه نظامی در سوریه، دولت ترکیه که از روابط خوبی با اسد و هم چنین ایران و محور مقاومت برخوردار بود، سکوت و انتقادهای جزئی را در پیش گرفت، اما پس از مدتی با گسترده شدن نا آرامی‌های سوریه و حمله‌های رسانه‌ای غرب و اعراب به سوریه، به انتقادهای تند از اسد پرداخت و از او خواست از قدرت کناره‌گیری کند. (تقفی، ۱۳۹۰) فرصت طلبی ناشی از منافع محوری و ملاحظات مذهبی و همچنین هماهنگی ترکیه با نظام جهانی سبب تغییر رفتار ترکیه در برابر سوریه گردید. اقدامات خصمانه‌ی ترکیه، نشان می‌دهد که این کشور در حال ایفای نقش در پازل آمریکایی - اسرائیلی فشار بر محور مقاومت است. (بوتراب، ۱۳۹۰: ۵۶۰) ترکیه در سیاست پنهان خویش در برخورد با سوریه که در صف مقدم مقاومت است، به دنبال اهدافی است تا بتواند موازنه قدرت در دمشق و معادلات منطقه را به نفع خویش تغییر دهد. ترکیه اقدام به برگزاری پنج نشست مخالفان دمشق و سازماندهی نیروهای نظامی مخالف اسد نموده است و رهبران حزب حاکم ترکیه، سعی دارند با هماهنگی اتحادیه عرب، زمینه‌های سرنگونی اسد را فراهم نمایند. (ملکی، ۱۳۹۱)

#### ۲-۳. نحوه تعامل با ایران

اگر انقلاب اسلامی در ایران در اواخر دهه ۱۹۷۰ به وقوع نپیوسته بود، شاید هم اکنون پیشرفت اسلامگرایی در ترکیه بسیار کند تر شکل می‌گرفت. ماهیت مذهبی دولتی که بعد از انقلاب توسط مردم ایران ایجاد شد، در اعتماد به نفس و خود آگاهی اسلامگرایان ترکیه بسیار موثر بوده است.

(زارع، ۱۳۸۱: ۱۵۳) بعد از پیروزی اسلامگرایان ترکیه در دهه ۱۹۹۰، سفر نجم الدین اربکان، نخست وزیر سابق ترکیه به تهران در مرداد ۱۳۷۵ ه.ش نقطه‌ی عطفی در مناسبات ایران و ترکیه به عنوان دو دولت اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود. اربکان در کمتر از شش هفته پس از انتخابات نخست وزیری، از ایران دیدار کرد و این نخستین دیدار او از یک کشور خارجی بود. ورود هیئت بلند پایه ترکیه به تهران با استقبال وسیعی رو به رو شد و چندین قرارداد همکاری اقتصادی، صنعتی و همچنین فرهنگی امضاء گردید. (سلامتی، ۱۳۸۹: ۱۵۰ - ۱۵۱) بسیاری از توافقاتی که قبلاً میان ایران و ترکیه صورت گرفته بود در زمان اردوغان به اجراء گذاشته شد. مناسبات دو کشور ایران و ترکیه پس از روی کار آمدن دولت متعلق به حزب عدالت و توسعه بیش از پیش گسترش پیدا کرد. (Larrabee, 2007: 107) حوادث ۱۱ سپتامبر و قرار گرفتن مبارزه با تروریسم در مرکز ثقل سیاست خارجی آمریکا، باعث شد همکاری ایران و ترکیه در مبارزه با گروه‌های تروریستی افزایش یابد. در همکاری‌های امنیتی و سیاسی دو جانبه، دو کشور ایران و ترکیه از اواخر دهه ۱۹۹۰ تا کنون دارای موافقت نامه امنیتی محافظت از مرزها هستند. و تا کنون کمیسیون‌های مشترک امنیتی دو کشور چند بار تشکیل جلسه داده‌اند. عمده‌ترین حوزه‌های همکاری دو طرف در این زمینه، مسائل مبارزه با مواد مخدر، تروریسم و قاچاق کالا می‌باشد (سلامتی، ۱۳۸۹: ۱۶۶). هر دو کشور ایران و ترکیه از موقعیت خاص استراتژیک در منطقه برخوردارند که این موقعیت مرهون جغرافیایی است که در آن قرار دارند. ایران، پل ارتباطی ترکیه به شرق و ترکیه، پل ارتباطی ایران به غرب است. می‌توان گفت، مجموعه تحولات داخلی در ایران و ترکیه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی سبب گردیده است که دامنه روابط ایران و ترکیه به علت همسایگی و سطوح آن از ابعاد بسیار گسترده و وسیعی برخوردار گردد. (ملکی، ۱۳۸۳: ۵).<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> پس از به ثمر رسیدن زنجیره‌ی انقلاب‌های اسلامی و شکل‌گیری حلقه‌ی بیداری اسلامی در جهان اسلام، روابط ایران و ترکیه نیز در سایه‌ی تحولات اخیر رنگ و بوی دیگری به خود گرفته است. اگر چه هیچ‌گاه سابقه نداشته روابط دو طرف به آن سطح از تیرگی برسد که مجبور به قطع روابط شوند اما هیچ‌گاه هم سابقه نداشته دو طرف تا این اندازه به یکدیگر نزدیک شوند که یک محور منطقه‌ای بسازند و تلاش کنند به کمک این محور، نفوذ خود را در منطقه افزایش دهند. اما حالا به نظر می‌رسد که این محور تحت تأثیر تحولات اخیر منطقه قرار گرفته است. ایران از سوره‌ی حمایت قاطع می‌کند در حالی که ترکیه پس از آغاز ناآرامی‌ها در این کشور موضع دوستانه و استراتژیک خود را با دمشق تغییر داده و این سبب شده تا این تیرگی بر روابط ایران و ترکیه نیز اثر بگذارد (پایگاه اینترنتی دیپلماسی ایرانی: [diplomacy.com.12/10/1390www.iranian](http://diplomacy.com.12/10/1390www.iranian))



۲-۴. سیاست و برخورد جریان اسلامگرا نسبت به مسئله فلسطین

مسئله فلسطین در دهه ۱۹۹۰ یکی از خطوط گسست اصلی میان اسلامگرایان و کمالیست‌ها بود. نقطه اوج این اختلاف در سال ۱۹۹۶ بروز کرد. سالی که سه موافقت نامه نظامی بین ترکیه و اسرائیل امضاء شد<sup>۱</sup> و رئیس ستاد مشترک ارتش ترکیه، نجم الدین اربکان را مجبور کرد که این موافقت نامه‌ها را تأیید کند. دهه ۱۹۹۰ دو مسئله امنیتی مهم برای ترکیه به وجود آمد، یکی مسئله کردها و دیگری احساس خطر از جانب بنیادگرایان اسلامی، در دهه ۱۹۹۰ ابعاد نظامی و امنیتی روابط دو کشور به صفت برجسته، بارز و ممتاز آن تبدیل شد، به گونه‌ای که با شروع تلاش‌های گسترده دو کشور برای بازسازی و بهبود پیوندهای تضعیف شده، موضوعات نظامی و امنیتی در صدر اولویت‌ها و مسائل مورد علاقه طرفین قرار گرفت تا جایی که به عقیده اغلب صاحب نظران سیاسی این روابط به «اتحاد راهبردی» تبدیل شد. (Inbar, 2005: 1). به قدرت رسیدن اسلامگرایان حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ باعث شد که آن‌ها در برخورد با مسئله فلسطین دچار مشکل شوند. از یک سو شاهد اعمال خشن و بدون تناسب اسرائیل علیه مقاومت مشروع فلسطینی‌ها بودند و از سوی دیگر به خوبی می‌دانستند که موضع گیری شدید علیه اسرائیل هزینه‌هایی را برای ترکیه به بار می‌آورد و در روابط ترکیه و ایالات متحده اختلال ایجاد می‌کند. اسلامگرایان در موضع گیری‌های خود علیه اسرائیل حرف می‌زدند، ولی اقدامی تند برای قطع رابطه با اسرائیل انجام ندادند. اردوغان سیاست فعال‌تری را نسبت به مسئله فلسطین در پیش گرفت و به طور آشکار اقدامات اسرائیل در کرانه غربی و غزه را «تروریسم دولتی» نامید و همزمان درصدد برقراری روابط نزدیکتری با رهبر فلسطینی‌ها برآمده است. (Larrabee, 2007: 110) ترکیه خود را بازیگری حامی صلح در منطقه نشان داده و تلاش نموده تا پرونده‌های مهم لاینحل در منطقه را با ابتکارات خود حل کند. تلاش برای میانجی‌گری بین رژیم اسرائیل و حماس، برخورد تند با «شیمون پرز» و موضع گیری بسیار تند در برابر جنایات این رژیم در غزه و کشتار مردم بی‌گناه و... مسئولان ترکیه را به قهرمانان جهان عرب، بلکه در سراسر دنیا تبدیل کرده است. راه اندازی کاروان آزادی به مقصد غزه توسط ترکیه و پس از آن حمله اسرائیلی‌ها به این کاروان، و برخورد

<sup>۱</sup> . مناسبات ترکیه و اسرائیل و پیمانهای همکاری میان این دو کشور از دوره حاکمیت لائیک و نظامیان بنا شده است و

تا به امروز ادامه دارد. جهت آگاهی بیشتر، رک: عطایی، ۱۱۷-۱۳۷۸: ۱۲۰؛ خطیب زاده، ۴۱۷: ۱۳۸۱

محکم ترکیه با این رژیم، آخرین نمونه از حرکت‌های ترکیه بود که باعث تعجب منطقه شد. (طاهایی، ۲۸:۱۳۸۹)

#### ۲-۲-۵. سیاست و برخورد جریان اسلامگرا نسبت به مسئله لبنان

شروع جنگ بین اسرائیل و حزب الله باعث شد هر کشوری از زاویه منافع و امنیت ملی خود روند حوادث را پیگیری کند و به بررسی شرایط، فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی بپردازد. ترکیه از جمله کشورهایی است که در بعد دولتی، رفتاری متفاوت از سایر کشورهای اسلامی از خود بروز داده است. دولت اسلامگرای ترکیه از ابتدای تحولات لبنان تلاش کرد تا با حفظ ملاحظات سیاسی و ایفای یک نقش متوازن کننده در معادلات منطقه، نسبت به برقراری آرامش و توقف درگیری‌ها و تجاوزات رژیم اسرائیل، تحرکاتی را انجام دهد. اولین اقدام ترکیه، برقراری تماس‌های تلفنی متعدد توسط نخست وزیر ترکیه با سران و مقامات کشورهای مختلف از جمله برخی از کشورهای اروپایی، امریکا و اسرائیل از یک طرف و گفت و گوی تلفنی با برخی از سران کشورهای اسلامی از جمله ایران، سوریه و لبنان از طرف دیگر بود. در این تماس‌های تلفنی، علاوه بر مسائلی نظیر برقراری سریع آتش بس و رایزنی پیرامون برگزاری اجلاس فوق‌العاده سران کشورهای اسلامی، موضع ایجاد کریدور جهت ارسال کمک‌های انسانی مطرح شد که یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بود که طرف ترک سعی داشت به عنوان یک ابتکار آن را مطرح سازد و از این طریق در جهت کاستن از آلام مردم بی گناه لبنان، که در این تراژدی غم‌انگیز بیشترین صدمات را متحمل شده‌اند، اقدامی صورت دهد. (رستگار، ۳۸:۱۳۸۵) در راستای همین اقدامات و تحرکات دیپلماتیک، اردوغان، نخست وزیر ترکیه در اظهارات صریحی که بعد از شروع بحران لبنان داشت، اعلام کرد، تحولات اخیر لبنان و فلسطین، کشورش را به تجدید نظر در مشارکت در طرح صلح خاورمیانه بزرگ واداشت. حرکت‌های اسرائیل غیر منصفانه و دور از وجدان است. گروهی از قدرت‌های بزرگ از این حرکت‌ها حمایت می‌کنند و گروه دیگر به تماشای رویدادها نشسته‌اند. اردوغان با تأکید بر لزوم برقراری آتش بس و اینکه روند فعلی زمینه جنگ تمدن‌ها را فراهم خواهد کرد، افزود فرزندان اسرائیل هر چقدر که ارزش داشته باشند به همان اندازه، فرزندان فلسطین هم برای ما ارزش دارند. (واعظی، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۷) ترکیه پنج شرط برای حضور در ترکیب نیروهای حافظ صلح در لبنان مطرح کرده است، اول اینکه نیروهای حافظ صلح با تصمیم سازمان ملل متحد اعزام شوند.

دوم، اعزام نیروها پس از اعلام آتش بس صورت گیرد. سوم، نیروهای حافظ صلح در محل درگیری‌ها حضور نداشته باشند. چهارم، این طرز فکر به وجود نیاید که نیروهای حافظ صلح از یکی از طرف‌های درگیر حمایت می‌کند، و پنجم، وظیفه خلع سلاح حزب الله به این نیروها داده نشود. (رستگار، ۱۳۸۵، ۳۹)

### نتیجه گیری

مقاله حاضر با این پرسش آغاز گردیده که عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه در عرصه سیاست‌های داخلی و خارجی در سه دوره قدرت یافتن این حزب یعنی در سال‌های ۲۰۰۲، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۱ به چه نحوی بوده است؟ در پاسخ به این پرسش و پس از بررسی فعالیت‌های این حزب در بعد داخلی، با اشاره به عرصه سیاسی یعنی ویژگی‌هایی چون، مشارکت سیاسی، رشد مردم سالاری و دموکراسی، بازسازی هویت ملی و اسلامی، نحوه تعامل با گروه‌ها و ایدئولوژی‌های رقیب و اصلاحات قانون اساسی و در عرصه اجتماعی و با توجه به شاخص‌هایی چون، احیای شعائر دینی، عملکرد نهادهای آموزشی و تعامل با اقلیت‌های قومی و مذهبی و در عرصه اقتصادی می‌توان گفت، عملکرد حزب عدالت و توسعه در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ نشان دهنده این مسئله است که این حزب در میان مشارکت‌کنندگان در انتخابات در ترکیه، شوری ایجاد کرده و موجب شد تا سطح مشارکت سیاسی مردم این کشور افزایش یابد. این حزب موفق شده است سطح آموزش و رفاه اقتصادی را در میان طبقات ضعیف‌تر، از جمله حاشیه نشینان شهری و روستاییان این کشور افزایش دهد. این حزب در مواردی نظیر حقوق شهروندان و آزادی‌های مدنی و نیز در برخورد با مسئله کردها بسیار موفق‌تر از احزاب سکولار ترکیه عمل کرده و از این طریق توانسته بسیاری از آراء سکولارها و اقلیت‌های قومی را نیز به واسطه عملکرد موفق و اطمینان بخشی به گروه‌های مختلف اجتماعی به دست آورد. حزب عدالت و توسعه به ارزش‌های اسلامی که بخشی از هویت مردم ترکیه را تشکیل می‌دهد و همچنین به ارزش‌های اجتماعی مانند عدالت و برابری اهمیت داده و از ظرفیت‌های اجتماعی دین، برای ایجاد نظم و توسعه بهره می‌برد. در دوره اول، حزب عدالت و توسعه به دنبال اعتمادسازی و تثبیت وضعیت خود بود که این کار را به خوبی انجام داد. و این حزب در دوره دوم تلاش کرد که طراح و پیشرو باشد و اجرای طرح‌های اساسی ملی را مد نظر قرار دهد. در واقع عملکرد مثبت این حزب در این دو دوره و جلب اعتماد مردم ترکیه اعم

از مسلمان و غیر مسلمان آنان را بار دیگر در سال ۲۰۱۱ به پای صندوق‌های رأی کشاند و پیروزی قاطع این حزب را منجر شد. حزب عدالت و توسعه در جریان انتخابات سال ۲۰۱۱ شعار تغییر قانون اساسی را داده بود و بعد از انتخابات، رجب طیب اردوغان اعلام داشت که از هیچ تلاشی برای تغییر مفاد قانون اساسی دریغ نخواهد کرد. یکی از موانع اصلی برای اجرای این تغییرات، ارتش و نظامیان هستند که خود را پایبند اصول و مبانی اعتقادی و سیاسی آتاتورک می‌دانند. لذا با تغییرات اخیر فرماندهان ارتش ترکیه، مقدمه‌ای برای ایجاد تغییرات لازم در قانون اساسی این کشور فراهم می‌شود که مهم‌ترین هدف اردوغان در عرصه سیاست‌های داخلی در این دوره می‌باشد.

در بحث سیاست‌ها و عملکردهای اسلامگرایان ترکیه در بعد خارجی با اشاره به، عملکرد حزب اسلامگرایی عدالت و توسعه در عرصه بین‌المللی و نحوه تعامل با اتحادیه اروپا، نحوه تعامل با آمریکا و در عرصه منطقه‌ای، نحوه تعامل با سوریه، نحوه تعامل با ایران، سیاست و برخورد جریان اسلامگرا نسبت به مسئله فلسطین و سیاست و برخورد جریان اسلامگرا نسبت به مسئله لبنان، می‌توان مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی دولت اردوغان را در دو دوره گذشته، سیاست تنش‌زدایی، گسترش همکاری با کشورهای اسلامی، تنش صفر با همسایگان (به صفر رساندن مشکلات با همسایگان) و سرمایه‌گذاری در کشورهای خاورمیانه دانست. در دوره سوم، ترکیه به طور فعال و به اصطلاح درگیرانه به تحولات خاورمیانه ورود پیدا کرده است و نقش یک بازیگر فعال را در مسائل منطقه و در سطح بین‌الملل ایفا می‌کند. دولت ترکیه در این دوره نیز به مانند دوره‌های گذشته، ضمن حفظ رابطه سنتی خود با غرب و همفکری آمریکا و اتحادیه اروپا و حتی اسرائیل به دنبال ایفای نقش خود به عنوان یک بازیگر فعال در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی است و به عبارتی این کشور در پی ارتقاء جایگاه استراتژیک خود در خاورمیانه می‌باشد. جهت‌گیری کلی و اصلی سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه هماهنگی و هم‌سویی با سیاست آمریکا و اسرائیل است. اردوغان با اتخاذ تاکتیک‌های متفاوت سعی در تعامل با کشورهای همسایه و اسلامی را دارد. ایفای نقش‌های مثبت در طی حاکمیت اسلامگرایان در منطقه که بهترین آن اتخاذ سیاست مثبت در قبال فلسطین و محکوم کردن جنایات اسرائیل علیه این ملت است، حاکی از تغییرات در کار سیاست خارجی ترکیه می‌باشد. البته باید توجه داشت موضع‌گیری این کشور پیرامون سوریه از نکات مبهم و پیچیده است. عملکرد این کشور در قبال سوریه و اتخاذ سیاست‌های متناقض باعث افزایش انتقادهای بسیاری شده است. ترکیه در ارتباط با ایران، مواضع مشترک بسیاری زیادی در زمینه

سیاست خارجی دارد. ترکیه و ایران امکان تبدیل شدن به رفقای استراتژیک را دارند. لذا عمق بخشیدن بر این همکاری برای دو کشور بسیار حیاتی است. آنچه در این رابطه بسیار با اهمیت جلوه می‌کند، درک عمیق از جایگاه دو کشور در منطقه است.

در پایان ذکر این نکته حائز اهمیت است که کشور ترکیه اگر به دنبال ایفای نقش اساسی و تأثیرگذار در خاورمیانه است باید در این دوره، «سیاست مستقل» داشته باشد. آنچه در سیاست‌های کنونی حزب عدالت و توسعه مشهود است دنباله‌روی این کشور از سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل است. که این هماهنگی در موضوع کشور سوریه نیز به خوبی قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد پیچیدگی‌های خاورمیانه و سرعت بالای تحولات آن باعث شده است حزب اسلامگرای عدالت و توسعه در آینده در میان جامعه ترکیه دچار مشکل شود و ادامه سیاست‌های کنونی حزب حاکم، باعث جایگزین شدن آن با دیگر احزاب اسلامگرا در این کشور شود.

## منابع

- احتشامی، انوشیروان (۱۳۸۱)، "بنیادگرایی اسلامی و اسلام سیاسی"، ترجمه محسن اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۸.
- احمدی، حمید (۱۳۷۷)، "آینده‌ی جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه: طرح یک چارچوب نظری"، فصلنامه خاور میانه، شماره ۲ و ۳.
- اسپوزیتو، جان و جان وال (۱۳۸۷)، "اسلام و دموکراسی"، ترجمه مهدی حجت، ماهنامه بازتاب اندیشه، شماره ۶۷.
- اکبری، نورالدین (۱۳۸۸)، "اسلامگرایی نوین و سکولاریسم در ترکیه (۱)"، پیام انقلاب، شماره ۳۲.
- اکبری کریم آبادی، نورالدین (۱۳۸۹)، "اصلاح قانون اساسی در ترکیه، گذار به دموکراسی"، پیام انقلاب، شماره ۴۴.
- امید، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، "عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجه ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه"، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره ۳، پاییز.

- ایاد، کریستف (۱۳۷۹)، مصاحبه و میزگرد با ژیل کیپل، طارق رمضان و محمد تیزی درباره "نقد اسلامگرایی"، ترجمه فخر طاوولی، ترجمان سیاسی، شماره ۳۷.
- بصیری، محمد علی و سید فاضل موسوی (۱۳۸۹)، "نقش و تاثیر عوامل داخلی ترکیه در پیوستن آن کشور به اتحادیه اروپا"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵، بهار.
- بوتراب، لطف‌الله (۱۳۹۰)، "حزب عدالت و توسعه ترکیه در آزمون بیداری اسلامی"، ماهنامه پاسدار اسلام، سال سی و یکم، شماره ۳۶۴ و ۳۶۵، اردیبهشت.
- پارسا، حمید (۱۳۷۷)، "مبانی معرفتی و چهره سکولاریسم"، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱.
- تورانلی، رسول (۱۳۸۹)، "بحران اقلیت‌های قومی و راه کارهای متفاوت ترکیه، اروپا و ایران"، وب سایت شخصی (آخرین بازنگری آبان ۱۳۹۰)، <http://touranli.ir>
- ثقفی، محمد (۱۳۹۰)، "اسلام آناتولیایی و نوع‌نمایی گری لیبرال (قرائت لیبرال از اسلام و سیاست خارجی دوگانه دولت اردوغان برای حفظ منافع ملی)"، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد مطلب: ۱۵۱۴۳، (<http://www.irdc.ir>)
- حیدرزاده نایینی، محمد رضا (۱۳۸۰)، دین و دولت در ترکیه، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- خطیب زاده، سعید (۱۳۸۱)، "ترکیه و اسرائیل: تلاش برای یافتن چارچوب جدید امنیتی-سیاسی"، فصلنامه ی سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان.
- دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱)، "جنبش‌های اسلامی (کنفرانس علم)"، قم، موسسه عالی باقر العلوم، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۰.
- رستگار، جمشید (۱۳۸۵)، "محدورات و مقدورات ترکیه در سیاست خارجی، سیاست‌ها و فرصت‌ها"، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۵.
- زارع، محمدرضا (۱۳۸۱)، "علل رشد اسلامگرایی در ترکیه"، مجله طلوع نور، شماره ۲.
- زارع خورمیزی، محمد رضا (۱۳۸۳)، علل رشد اسلامگرایی در ترکیه، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور.

- زارع خورمیزی، محمدرضا (۱۳۸۰)، *علل رشد اسلامگرایی در ترکیه (با تاکید بر دو دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰)*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- سلامتی، اعظم (۱۳۸۹)، *سیاست خارجی اسلامگرایان ترکیه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صولت، رضا (۱۳۹۰)، "انقلاب‌های عربی و چالش‌های معمار سیاست خارجی ترکیه"، <http://merc.ir> (22/12/1390),
- فلاح زاده، محمد هادی (۱۳۸۴)، *آشنایی با کشورهای مسلمان (۳) ترکیه*، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات معاصر.
- قاسمی، صابر (۱۳۸۴)، *جمهوری ترکیه*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات.
- قهرمان پور، رحمن (۱۳۹۰)، "رفراندوم قانون اساسی در ترکیه"، دو ماهنامه سیاسی-راهبردی چشم‌انداز ایران، شماره ۶۷، اردیبهشت و خرداد.
- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸)، "نگرشی جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۹، پاییز.
- عظیمی، سیده لیلی (۱۳۹۰)، "برابری سیاسی در تجربه حزب عدالت و توسعه ترکیه"، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۴، زمستان.
- کاویان نژاد، سعید (۱۳۸۹)، "ترکیه لائیک و رنسانس اسلامی"، سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کد مطلب: ۱۱۹۸۸، (<http://www.irdc.ir>)
- کینزر، استفان (۱۳۸۹)، "ایران، ترکیه و آینده آمریکا"، ترجمه نیلوفر قدیری، تهران: نشر قطره.
- گزارش نشست مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۶)، "پیروزی مجدد اسلامگرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور"، جمع‌بندی نودمین نشست تخصصی معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک، پژوهش نوزدهم، مهر ماه ۱۳۸۶.
- گزبلات، زونتا (۱۳۷۹)، "آینده اسلامگرایی". ترجمه ع، فتاح زاده، ترجمان سیاسی، شماره ۲۲۹.
- گنجی ارجنگی، عبدالله (۱۳۸۸)، "موج سوم بیداری اسلامی"، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

- طاهایی، علی (۱۳۸۹)، "ترکیه و معماری سیاستی نوین"، پیام انقلاب، شماره ۳۷.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، "درس‌های سیاست خارجه"، تهران: نشر مشکوه (مشکات).
- لواسانی، سید محمد حسین (۱۳۸۴)، "عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا"، ماهنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۷۰.
- لویت، وندی کریستیانسن (۱۳۷۸)، "چپ ترکیه مرز میان اسلامگرایان و نظامیان"، ترجمه ک. فخر طاولی، ترجمان سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۳.
- لویس، برنارد (۱۳۸۶)، "گذار به دموکراسی در ترکیه"، ترجمه امین ناصری، آراز، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره‌های ۲۳۷ و ۲۳۸.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸)، "ترکیه و آینده تمایلات اسلامگرایانه"، دو هفته نامه پگاه حوزه، شماره ۲۵۷.
- مزروعی، علی (۱۳۸۶)، "دو تجربه اسلامگرایی در ایران و ترکیه"، وبلاگ شخصی متولد ماه مهر، آخرین بروز رسانی آبان ۱۳۸۹، تاریخ مقاله: ۱۶ اسفند ۱۳۸۶. [www.mazrooei.ir](http://www.mazrooei.ir)
- مفید نژاد، سید مرتضی (۱۳۸۸)، "انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر اسلام سیاسی در ترکیه"، فصلنامه ره آورد سیاسی، شماره ۲۷.
- ملکی، صادق (۱۳۸۳)، "روابط ایران و ترکیه"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۲۸.
- ملکی، صادق (۱۳۹۱)، "متحد غرب در آغوش شرق"، سایت دیپلماسی ایرانی، کد مطلب: ۱۸۹۹۲۵۴، (<http://www.irdiplomacy.ir/6/1/1391>).
- موثقی، سید احمد (۱۳۷۴)، "جنبش‌های اسلامی معاصر"، تهران: سازمان انتشارات سمت.
- موثقی، سید احمد (۱۳۸۶)، "جنبش‌های اسلامی معاصر"، تهران: سازمان انتشارات سمت.
- نقدی نژاد، حسن (۱۳۸۷)، "تعامل و تقابل اسلامگرایان و کمالیست‌ها در سیاست خارجی ترکیه (۲۰۰۲-۲۰۰۷)"، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، "میان‌روهای کارآمد، علل پیروزی اسلامگرایان در ترکیه و پیامدهای آن"، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۷.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، "تجربه جدید در ترکیه، تقابل گفتمان‌ها"، فصلنامه راهبرد. شماره ۴۷.



### عملکرد حزب اسلامگرای عدالت و توسعه ترکیه ... / ۱۵۹

---

- ولایتی، علی اکبر (۱۳۸۳)، "دایره المعارف بزرگ اسلامی"، جلد ۱۳، مقاله بیداری اسلامی، شماره ۵۳۴۹، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸)، "بنیادگرایی اسلامی محصول رویارویی تمدن‌ها"، ترجمه ق. طولانی، مجله استاندارد، ترجمان سیاسی، شماره ۱۸۰، ۱۱ دسامبر.
- هویدی، فهمی (۱۳۷۸)، "بازخوانی پرونده اسلام سیاسی"، ترجمه زارع زاده، ترجمان سیاسی، شماره ۴۰.
- هویدی، فهمی (۱۳۷۹)، "پاییز طوفانی در ترکیه"، ترجمه باهر، روزنامه الشرق الاوسط، ترجمان سیاسی، شماره ۴۲، ۱۱ سپتامبر.
- یاووز، م.هاکان (۱۳۸۹)، "سکولاریسم و دموکراسی در ترکیه"، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

- Ayata, Sencer (1996), "Patronage, Party & State: The Politicization of Islam in Turkey", Middle East Journal, Vol, 50, No.1, P. 41.
- Aras, bulent & rabia karakaya Polat (2010), "From Conflict to Cooperation: Desecuritization of Turkey Relation with Syria and Iran", (<http://sdi.sagepub.com>)
- Inbar, Efraim (2005), "Regional Implications of the Israel Turkish Strategic Partnership", Meria Journal, Vol.5. No.2, P. 1.
- Larrabee, F. Stephen (2007), "Turkey Rediscovered The Middle East", Foreign Affairs, Vol. 86. No. 4 (july/august), P. 106.
- Robins, Philip (2007), "Turkish Foreign Policy Since 2002: between a post-islamist government and a Kamalist state", International Affairs, vol, 83, P. 293-298.

